**باسمه تعالی**

[***امتداد وقت مغرب تا بعد از سقوط شفق*** 2](#_Toc472357174)

[***مناقشه در دلیل لو کان لبان*** 2](#_Toc472357175)

[**کلمات قدماء** 2](#_Toc472357176)

[**1-مرحوم کلینی در کافی** 2](#_Toc472357177)

[**2-صدوق** 3](#_Toc472357178)

[**در هدایه** 3](#_Toc472357179)

[**در فقیه** 3](#_Toc472357180)

[**3-شیخ مفید در مقنعه** 4](#_Toc472357181)

[**4-سید مرتضی در ناصریات** 4](#_Toc472357182)

[**5-شیخ طوسی** 4](#_Toc472357183)

[**در تهذیب** 4](#_Toc472357184)

[**در نهایه** 5](#_Toc472357185)

[**در خلاف** 5](#_Toc472357186)

[**6-ابوالصلاح حلبی در کافی** 6](#_Toc472357187)

[**7-ابن حمزه در وسیله** 6](#_Toc472357188)

[**8-ابن سلار در مراسم** 6](#_Toc472357189)

[**9-کیدری در مصباح الشیعة** 6](#_Toc472357190)

[***جواب از مناقشه در دلیل لو کان لبان*** 7](#_Toc472357191)

[***بررسی قول موافق عامه*** 8](#_Toc472357192)

[***جمع بندی بحث در نماز مغرب*** 8](#_Toc472357193)

[***مبدأ نماز عشاء*** 9](#_Toc472357194)

[***منتهای نماز عشاء*** 9](#_Toc472357195)

[***أدله قول مشهور(امتداد وقت عشاء تا نیمه شب)*** 10](#_Toc472357196)

[**روایت أول (صحیحه زراره در تفسیر آیه)** 10](#_Toc472357197)

[**روایت دوم** 10](#_Toc472357198)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوقات نمازهای یومیه /آخر وقت مغرب/آخر وقت عشاء

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

قبل از این‌که بحث وقت نماز عشاء را دنبال کنیم مطلبی از بحث منتهای نماز مغرب باقی مانده که توضیح می دهیم:

ما دو تا مطلب گفتیم:

***امتداد وقت مغرب تا بعد از سقوط شفق***

**مطلب اول این بود:** گفتیم و لو ظاهر طائفه‌ای از روایات این است که سقوط شفق آخر وقت اختیاری نماز مغرب است و لکن چون این حکم مبتلابه عموم مردم است، لو کان لبان و اشتهر و از عدم اشتهار این حکم کشف می‌کنیم این حکم در شرع ثابت نیست و گرنه بر شیعه مخفی نمی ماند. این یک مطلب بود که عرض کردیم.

**مطلب دوم این بود که**: گفتیم بر فرض نوبت به تعارض بین روایات برسد، روایات امتداد وقت نماز مغرب تا نیمه شب را، با مرحجیت مخالفت عامه ترجیح می‌دهیم.

**ممکن است در هر دو مطلب مناقشه شود؛**

***مناقشه در دلیل لو کان لبان***

گفته می شود که با بررسی کلمات قدماء به این نتیجه می رسیم که مشهور در قدماء این است که وقت مغرب با سقوط شفق تمام می شود. لذا در این بحث بان و اشتهر محقق شده است. و این که الآن مردم اطلاع ندارند ناشی از فتوای مشهور متأخّرین است و مهم نیست.

**کلمات قدماء**

**1-مرحوم کلینی در کافی**

ایشان بعد از این‌که روایت زراره و فضیل را نقل می‌کند که «ان لکل صلاة وقتین الا المغرب فان وقتها واحد و وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق»

(**نکته:** ‌علامه مجلسی رضوان الله علیه در تحف العقول وقتها وجوبها را معنا می‌کند:‌ای وقتها غروب الشمس. یعنی ضمیر در«وجوبها» به قرینه سیاق به شمس بر می گردد و وجبت الشمس به معنای «غربت الشمس» است. در روایت هم داریم که «اذا وجبت الشمس فصل المغرب» یا عامه نقل کردند که «کان النبی یصلی المغرب اذا وجبت الشمس».

البته این خلاف ظاهر است که ضمیر در «وجوبها» به شمس بر گردد در حالی که بقیه ضمیر ها به صلاۀ المغرب بر می گردد «فان وقتها واحد و وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق». و لذا بعید نمی‌دانیم، علامه مجلسی هم به عنوان احتمال ذکر کرده که این وقت به همان نماز مغرب بخورد، یعنی وقت نماز مغرب یکی است، همان وقت وجوب است، دیگر وقت فضیلت غیر از وقت وجوب ندارد. ولی ضمیر به کجا بر گردد مهم نیست.)

ایشان می‌گوید: «و روی ایضا ان لها وقتین آخر وقتها سقوط الشفق» که این روی هم مؤید همین است که بعد از سقوط شفق وقت مغرب تمام می‌شود. فقط این روایت دوم می‌گوید نماز مغرب دو وقت دارد: وقت اولش غروب آفتاب، ‌وقت دومش قبل از سقوط شفق. ولی در روایت زراره و فضیل گفت وقت نماز مغرب یکی است، از غروب آفتاب تا سقوط شفق. مرحوم کلینی هم می‌گوید این دو روایت اختلافی ندارند زرا درست است دقیق که می‌شویم دو وقت است، غروب الشمس و نزدیکی سقوط شفق، ولی این قدر وقت کم است، ‌(در این أیام سال حدود پنجاه دقیقه) تعبیر ایشان این است، می‌گوید غروب شمس را تا زوال حمره مشرقیه کم کنید، حدودا هفده دقیقه، از زوال حمره مشرقیه تا زوال حمره مغربیه ایشان می‌گوید به اندازه‌ای که انسان نماز مغرب و نوافل مغرب را با هدوء و آرامش بخواند بیشتر وقت نیست و قد تفقدت ذلک غیر مرة، خودم تجربه کردم، و لذلک صار وقت المغرب ضیقا، برای همین وقت مغرب تنگ است، ‌تعبیر کردند وقتها واحد.

لذا ظاهر عبارت ایشان است است که ایشان هم معتقد است روایات مفادشان این است که بعد از سقوط شفق وقت نماز مغرب تمام شده است.

**2-صدوق**

**در هدایه**

**صدوق در هدایه می‌گوید**: «وقت المغرب اضیق الاوقات و هو من حین غیبوبة الشمس الی غیبوبة الشفق و وقت العشاء من غیبوبة الشفق الی ثلثی اللیل»

ظاهر عبارت این است که وقت واجب را می گوید زیرا عرفی نیست در رساله فقهی وقت فضیلت را بیان کند ولی وقت واجب را بیان نکند.

**در فقیه**

در من لایحضره الفقیه می گوید: وَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ لِمَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْمَنْزِلِ فِي سَفَرٍ إِلَى رُبُعِ اللَّيْلِ وَ الْمُفِيضِ مِنْ عَرَفَاتٍ إِلَى جَمْعٍ كَذَلِكَ وَ رَوَى بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ع- فَلَمّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأى كَوْكَباً قالَ هذا رَبِّي فَهَذَا أَوَّلُ الْوَقْتِ وَ آخِرُ ذَلِكَ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ فَأَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ آخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ يَعْنِي نِصْفَ اللَّيْلِ[[1]](#footnote-1)

در سفر که دنبال منزل هستید تا یک چهارم شب نماز مغرب وقت دارد. در عرفات که به مشعر می‌آیید آنجا هم همین‌طور است. اما در جاهای دیگر، ایشان می‌گوید روی بکر بن محمد این روایت را که اول وقت المغرب غروب الشمس و آخره غیبوبة الشفق.

**3-شیخ مفید در مقنعه**

 می‌گوید: «اول وقت المغرب مغیب الشمس و آخره اول وقت العشاء و اول وقت العشاء مغیب الشفق و آخر وقت العشاء مضی الثلث من اول اللیل».

دیگه هم نگفت این وقت فضیلت است، و وقت وجوب یا وقت اداء تا نیمه شب ادامه دارد.

**4-سید مرتضی در ناصریات**

می گوید: «عندنا ان اول وقت المغرب مغیب الشمس و آخر وقتها مغیب الشفق و روی ربع اللیل و حکی بعض اصحابنا ان وقتها یمتد الی نصف اللیل».

وقتی که تا نصف شب ادامه دارد قطعاً وقت فضیلت نیست لذا مراد وقت فضیلت است، پس بقیه هم وقت اداء را می گویند.

**5-شیخ طوسی**

**در تهذیب**

 ایشان روایات را که ذکر می‌کند می‌گوید: فَهَذِهِ الْأَخْبَارُ كُلُّهَا دَالَّةٌ عَلَى أَنَّ هَذِهِ الْأَوْقَاتَ لِصَاحِبِ الْأَعْذَارِ لِأَنَّهَا مُقَيَّدَةٌ بِالْمَوَانِعِ وَ مَا يَجْرِي مَجْرَاهَا وَ الَّذِي يَكْشِفُ عَمَّا ذَكَرْنَاهُ وَ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ تَأْخِيرُ الْمَغْرِبِ- عَنْ غَيْبُوبَةِ الشَّمْسِ إِلَّا عَنْ عُذْرٍ مَا ثَبَتَ أَنَّهُ مَأْمُورٌ فِي هَذَا الْوَقْتِ بِالصَّلَاةِ وَ الْأَمْرُ عِنْدَنَا عَلَى الْفَوْرِ فَيَجِبُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَاجِبَةً فِي هَذِهِ الْحَالِ وَ يَدُلُّ عَلَيْهِ أَيْضاً.[[2]](#footnote-2)

 هذه الاوقات مثلا ربع اللیل، نماز مغرب تا یک چهارم شب برای معذورین است، چون در این روایات عذرها را مطرح کردند که افراد معذور مثل مسافر و امثال ذلک تا ربع لیل مهلت داشتند.

**در نهایه**

در نهایه که کتاب فتوا و رساله عملیه شیخ است می گوید: «‌و اول وقت صلاة المغرب عند غیبوبة الشمس و آخر وقته سقوط الشفق و لایجوز تاخیره من اول الوقت الی آخره الا لعذر و قد رخص للمسافر تاخیر المغرب الی ربع اللیل». راجع به نماز عشاء هم می‌گوید: «اول وقت العشاء سقوط الشفق و آخره الی ثلث اللیل» که بعدا مطرح می‌کنیم.

**در خلاف**

در خلاف واضح‌ترگفته است: أول وقت المغرب، إذا غابت الشمس، و آخره إذا غاب الشفق و هو الحمرة، و به قال أبو حنيفة، و الثوري، و أحمد، و إسحاق، و أبو ثور، و أبو بكر بن المنذر في اختياره، و حكى أبو ثور هذا المذهب عن الشافعي، و لم يصححه أصحابه، الا أن أبا حنيفة قال: الشفق هو البياض، لكنه كره تأخير المغرب. و قال الشافعي و أصحابه: إن وقت المغرب وقت واحد، و هو إذا غابت الشمس، و تطهر و ستر العورة و أذن و أقام فإنه يبتدئ بالصلاة في هذا الوقت، فإن أخر الابتداء بها عن هذا الوقت فقد فاته. و قال أصحابه: لا‌يجي‌ء على مذهبه غير هذا. و به قال الأوزاعي. و ذهب مالك الى أن وقت المغرب ممتد الى طلوع الفجر الثاني، كما أن وقت الظهر ممتد الى المغرب، و في أصحابنا من قال بذلك، و منهم من قال: أن وقته ممتد الى ربع الليل.

دليلنا: إن ما اعتبرناه مجمع عليه بين الفرقة المحقة انه من الوقت، و انما اختلفوا في آخره، و قد بينا الوجه فيما اختلف من الأخبار في هذا المعنى في الكتابين المقدم ذكرهما، و طريقة الاحتياط تقتضي ما قلناه، فإنه إذا صلى في هذا الوقت كان مؤديا بلا خلاف، و اختلفوا إذا صلى بعد هذا الوقت.[[3]](#footnote-3)

حکی ابو ثور هذا المذهب عن الشافعی و لم یصححه اصحابه: یعنی اصاحب شافعی این را نپذیرفتند که شافعی این را می‌گوید، و قال الشافعی و اصحابه ...: معلوم می‌شود شافعی سخت‌تر گرفته است. اوائل غروب آفتاب می‌گوید وقت نماز مغرب است، اگر بدون عذر تاخیر بیندازد از این وقت نماز او فوت شده است.

دلیلنا: می‌گوید احتیاط اقتضاء می‌کند قبل از سقوط شفق نماز مغرب را بخوانید چون قدرمتیقن از اداء همین است، بعد از سقوط شفق مورد اختلاف است.

**6-ابوالصلاح حلبی در کافی**

می‌گوید: و أول وقت المغرب غروب الشمس و هو أفضل و علامة غروبها اسوداد المشرق بذهاب الحمرة، و آخر وقت الاجزاء ذهاب الحمرة من المغرب، و آخر وقت المضطر ربع الليل. و أول وقت عشاء الآخرة أن يمضي من غروب الشمس مقدار صلاة المغرب، و تأخيرها الى أن تغيب الحمرة من المغرب أفضل، و آخر وقت الاجزاء ربع الليل، و آخر وقت المضطر نصف الليل...و تأخير المختار الصلاة عن وقته الى وقت المضطر تفريط معفو عن تفريطه مؤد غير قاضٍ، و فعلها بعد الوقت قضاء و ليست بأداء، فإذا كان كذلك لضرورة فلا اثم عليه، و ان كان عن تفريط فهو مأزور، و يلزمه القضاء و التوبة من تفريطه.[[4]](#footnote-4)

**7-ابن حمزه در وسیله**

می گوید: وقت المغرب غروب الشمس الی غروب الشفق للمختار. و الی ربع اللیل لصاحب العذر.

**8-ابن سلار در مراسم**

می گوید: المغرب یمتد وقته الی ان یبقی لغیاب الشفق مقدار أداء ثلاث رکعات: وقت مغرب تا سه رکعت مانده به غروب شفق ادامه دارد.

بعد می‌گوید: و قد روی جواز تاخیر المغرب للمسافر اذا جد به السیر الی ربع اللیل. روایت داریم که نماز مغرب را مسافری که عجله دارد و ‌سریع می‌رود، تا یک چهارم شب می‌تواند تاخیر بیندازد.

**9-کیدری در مصباح الشیعة**

می گوید: اول وقت المغرب غیبوبة الشمس و آخره غیبوبة الحمرة من ناحیة‌ المغرب للمختار و وقت الضرورة یمتد الی ربع اللیل.

گفته می شود با توجّه به این نظرات فهمیده می شود که دلیل لو کان لبان صحیح نیست زیرا صغری«بان و اشتهر» محقق شده است.

***جواب از مناقشه در دلیل لو کان لبان***

به نظر ما: برخی مثل سید مرتضی در کتاب های دیگر خود نقل شده که قائل به امتداد وقت تا بعد از سقوط شفق شده است. و نیز بعضی از این عبارات صریح در وجوب بود ولی برخی از این عبارات صریح در وجوب نیست مثل کلام صدوق که در ذیل من لایحضره الفقیه راجع به نماز عشاء می‌گوید: «فاول وقت العشاء ذهاب الحمرة‌ و آخر وقتها نصف اللیل و فی روایة معاویة‌ بن عمار وقت العشاء الی ثلث اللیل و کان الثلث هو الاوسط و النصف هو آخر الوقت». همین صدوق در کتاب هدایه می گوید: «و وقت العشاء من غیبوبة‌ الشفق الی ثلث اللیل». همان که در من لایحضره الفقیه گفت که افضل ثلث اللیل است، در کتاب هدایه به طور مطلق گفت: و وقت العشاء من غیبوبة الشفق الی ثلث اللیل. و لذا این‌ها انسان را متحیر می‌کند که نکند این‌ها می‌خواستند وقت فضیلت را بگویند. و الا معنا ندارد در کتاب هدایه بگوید وقت العشاء من غیبوبة‌ الشفق الی ثلث اللیل و در من لایحضره الفقیه که بحث استدلالی می‌کند می‌گوید و کان الثلث هو الاوسط، ‌ثلث اللیل افضل است و الا آخر وقت نماز عشاء نیمه شب است.

وقتی در کتاب استدلالیش که حجة بینی و بین ربی است‌ می‌گوید ثلث لیل، وقت افضل است بعد همین عبارت را در هدایه به طور قطعی گفته که وقت العشاء من غیبوبة الشفق الی ثلث اللیل، جا می‌گذارد برای این‌که بگوییم شیخ صدوق در کتاب هدایه به صدد بیان وقت فضیلت بوده است.

**ما بر این مطلب اصرار نداریم:** می گوییم اگر همه این نقل ها وقت وجوب را بگویند باز می توان گفت که بان و اشتهر محقق نشده است زیرا خود شیخ طوسی در کتاب خلاف فرمود: مختلف فیه بین اصحابنا. و وقتی شیخ طوسی می‌گوید این‌که بعد از سقوط شفق، وقت نماز مغرب امتداد دارد یا ندارد، اختلافی است و ما از باب احتیاط می‌گوییم بعد از سقوط شفق نماز نخوانید ‌یعنی برای ما روشن نیست؛ قدرمتیقن‌گیری می‌کنیم. وقتی برای شیخ طوسی از باب احتیاط نماز مغرب قبل از سقوط شفق متعین است با این‌که مقتضای اصل عملی برائت است و هم در تهذیب گفت الامر دال علی الفور که مطلب درستی هم نیست: امر چه ظهوری در فوریت دارد.

**این‌ها نشان می‌دهد که مطلب واقعا برای متشرّعه واضح نبوده است** و بحث استدلالی جنجالی بوده است. و ما هم همین را می‌گوییم که چرا باید این مطلب که مورد ابتلاء مردم است مختلف فیه و جنجالی بشود. این مطلب به این مهمی اگر حکم شرعی بود باید برای متشرعه واضح بشود نه مختلف فیه.

***بررسی قول موافق عامه***

ما قبلاً گفتیم روایاتی که می گوید آخر وقت نماز مغرب سقوط شفق است موافق عامه است. ولی از این عبارت‌ها پی بردیم که: مالک می گوید وقت تا طلوع فجر ادامه دارد با این که بقیه فقهای عامه که مشهور عامه بودند وقت را تا سقوط شفق می دانستند. لذا ممکن است روایاتی که می گوید وقت تا نیمه شب ادامه دارد را ترجیج بدهیم زیرا مخالف هر دو قول عامه است.

نصف شب که در روایت قاسم بن عروه گفته مخالف عامه است، ‌سقوط شفق موافق مشهور عامه است ولی آن روایتی که می‌گوید نیمه شب یا حتی آن روایت ربع اللیل که ظاهر روایت ربع اللیل این است که جایز است بعد از سقوط شفق، این مخالف عامه است. هیچکدام از عامه این را نگفتند.

و لذا این بیان دیروز را این‌جور تتمیم می‌کنیم که روایاتی که می گوید وقت نماز مغرب تا بعد از سقوط شفق ادامه دارد مخالف عامه می شود هر چند روایاتی که می گوید وقت نماز مغرب تا سقوط شفق است، موافق جمیع عامه نیست.

**اگر بگویید**: مشهور عامه قائل به امتداد تا سقوط شفق شدند لذا روایات مربوط به سقوط شفق موافق مشهور عامه است.

**می گوییم:** با توجّه به این که مالک هم در أواخر بنی أمیه و هم در أوائل حکومت بنی عباس، فقیه مدینه و امام أهل سنت بوده است و از روحانیونی بوده که با همه حکومت ها می ساخته است لذا همه او را قبول داشتند و معروف بوده که فقیه عامه است. ولی أبوحنیفه بعد‌ها فقیه عراق شد، یا شافعی أصلاً در زمان متأخّر متولّد شده است و در زمان امام صادق علیه السلام نبوده است. و نیز أحمد بن حنبل هم متأخّر بوده است. لذا در بحث ترجیح به مخالفت یا موافقت با عامه نمی توانیم از قول مالک بگذریم. و نمی‌توانیم در این‌که این روایات سقوط شفق موافق عامه است از فتوی مالک صرف نظر کنیم و بگوییم این موافق مشهور عامه است، ‌موافق مالک که نیست، مالک هم سقوط شفق نمی‌گوید.

***جمع بندی بحث در نماز مغرب***

خلاصه عرض ما این است که : روایات یا جمع عرفی دارند کما ذهب الیه کثیر من الاعلام منهم سید البروجردی: که روایات دال بر ترخیص تاخیر نماز مغرب از سقوط شفق، قرینه واضحه‌اند بر رفع ید از ظهور روایت سقوط شفق در وجوب اند، روایات ربع اللیل را هم که کسی فتوی نداده است. ما این جمع عرفی را بعید نمی دانیم و اگر این جمع عرفی را نپذیرفتید عرض کردم تعارض و تساقط و رجوع به عام فوقانی که می گوید نیمه شب معیار است، می کنیم. یا اصل برائت که باز مقتضایش این است که سقوط شفق آخر وقت نماز مغرب نیست.

***مبدأ نماز عشاء***

مبدأ نماز عشاء را عده‌ای مثل مرحوم شیخ طوسی گفته اند: اول سقوط شفق. و در خلاف می گوید: اگر قبل از سقوط شفق نماز عشاء را بخوانید مختلف فیه است، بعضی‌ها می‌گویند صحیح است بعضی‌ها می‌گویند ناصحیح است، ولی اگر بعد از سقوط شفق نماز عشاء‌ را بخوانید همه می‌گویند صحیح است و طریق احتیاط این است که بعد از سقوط شفق نماز عشاء‌ را بخوانید.

ما می‌گوییم: این طریق احتیاط خلاف صناعت اصولیه است زیرا اصل برائت جاری می‌شود. ثانیا خلاف روایات است: خود روایت می‌گفت پیغمبر من غیر علة نماز عشاء را اول غروب آفتاب و بلافاصله بعد از نماز مغرب خواند تا به مردم نشان بدهد که دین، آسان است و روایت معتبره است لذا نوبت به أصل عملی نمی رسد.

***منتهای نماز عشاء***

مهم منتهای نماز عشاء ‌است که مورد اختلاف است: آیا نیمه شب است یا ثلث لیل است:

**عبارت تذکره را بخوانیم:**

أول وقت العشاء عند الفراغ من فريضة المغرب‌، لكن الأفضل تأخيرها إلى سقوط الشفق... و للشيخ قول آخر: إن أول وقتها سقوط الشفق- و هو قول آخر للمرتضى، و قول الجمهور كافة- لأن جبرئيل أمر النبيّ صلّى اللّه عليه و آله أن يصلي العشاء حين غاب الشفق، و في اليوم الثاني حين ذهب ثلث الليل. و هو محمول على الاستحباب.

جمهور اهل سنت یعنی همه اهل سنت گفتند که اول وقت نماز عشاء سقوط شفق هست، بعد ایشان می‌گوید و لکن روایات در این باب محمول بر استحباب است.

**اما راجع به آخر وقت عشاء می‌گوید:**

و آخر وقت العشاء للفضيلة إلى ثلث الليل، و للإجزاء إلى نصفه‌ و هو قول المرتضى، و ابن الجنيد و هو أحد قولي الشافعي، و به قال ابن المبارك، و الثوري، و أبو ثور، و أحمد في رواية ... و للشيخ قول آخر: أنه ثلث الليل و هو القول الثاني للشافعي- و به قال أبو هريرة، و عمر بن عبد العزيز، و مالك، و أحمد في رواية لأن جبريل عليه السلام صلّى العشاء في اليوم الثاني حين ذهب ثلث الليل و لأن الثلث متيقن، و الزائد عليه مشكوك فيه فلا يصار إليه.[[5]](#footnote-5)

به نظر ما راجع به نماز عشاء با این‌که روایات متعارض است، اما قول صحیح این است که بگوییم منتهای نماز عشاء نیمه شب است. و مشهور هم به روایاتی عمل کرده اند که می گوید منتهای وقت عشاء نیمه شب است و حق با مشهور است. ولی شیخ طوسی در نهایه و شیخ مفید منتها را ثلث اللیل گرفته اند و صاحب حدائق هم می گوید: بر شخص مختار واجب است قبل از ثلث لیل نماز عشاء را بخواند و معذورین جایز است تا نیمه شب صبر کنند.

***أدله قول مشهور(امتداد وقت عشاء تا نیمه شب)***

**روایات را بررسی کنیم و فعلا ادله قول مشهور را می‌آوریم:**

**روایت أول (صحیحه زراره در تفسیر آیه)**

صحیحه زراره که می‌گفت: اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل، دلوک شمس را گفت زواله، ‌غسق اللیل را گفت منتصفه و فی ما بین دلوک الشمس الی غسق اللیل اربع صلوات خوانده می شود.

‌اگر ما بودیم و آیه، دلوک الشمس در زوال و نه غسق اللیل در نصف شب ظهوری نداشت زیرا: أهل لغت برای دلوک دو معنا ذکر کرده اند: زوال شمس و غروب شمس، و برای غسق سه معنا ذکر کرده اند: ابتدای تاریکی شب (یعنی بعد از زوال حمره مغربیه)، اوج تاریکی شب (یعنی نیمه شب) و انتهای تاریکی شب (یعنی طلوع فجر). و هر کدام از این معانی طرفداران خودش را دارد.

سید مرتضی هم در ناصریات مثل این‌که به صحیحه زراره توجه نکرده بوده و ‌غسق اللیل را به سقوط الشفق معنا کرده است چون وقتی می‌گوید انتهاء وقت نماز مغرب سقوط شفق هست، می‌گوید دلیل ما آیه اقم الصلاة‌ دلوک الشمس الی غسق اللیل است و غسق اللیل غلبة الظلمة.

پس ما اگر بودیم و آیه شریفه نمی‌توانستیم غسق اللیل را نصف شب معنا کنیم. أما صحیحه زراره تکلیف را مشخص کرده: ‌و غسق اللیل انتصافه.

پس این دلیل اول است که وقت نماز عشاء تا نیمه شب امتداد دارد.

**روایت دوم**

صحیحه بکر بن محمد: اول وقت العشاء ذهاب الحمرة و آخر وقتها غسق اللیل یعنی نصف اللیل.

ان شاء الله بقیه روایات و روایات معارضه را فردا بررسی می‌کنیم.

1. من لا يحضره الفقيه، ج‌1، ص: 219‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. تهذيب الأحكام، ج‌2، ص: 32‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. الخلاف، ج‌1، ص: 261‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. الكافي في الفقه، ص: 137‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)، ج‌2، ص: 313‌ [↑](#footnote-ref-5)